



هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانتجوبی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
شماره ۱۷۱  
۴ ذی القعدة ۱۴۳۷  
۱۷ مرداد ۱۳۹۵  
چهارشنبه  
www.ekashet.ir | info@ekashet.ir  
www.QuranEtratSchool.ir  
سال ششم

حضرت مسیح علی‌ه‌السلام

خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ  
حق را از اهل باطل فراگیرید و باطل را از اهل حق فرا نگیرید. سخن سنج باشید.  
(محاسن ص ۲۳۰، ح ۱۶۹)

به نام سلام

## شروع یک چله‌ی برنامه‌ریزی تا روز عرفه، با حذف پرتی‌های زمانی

بیانات آقای اخوت درباره اصول تشکیل جمع ربانی، پنجشنبه ۱۴ مردادماه

فرانگ فلاحی

افراد باید در برنامه‌ریزی دقت داشته باشند و برنامه‌هایشان پرتی نداشته باشد. کارهایی که انتخاب می‌کنند دقیق باشد، وقت و زمانهایی که دارند به کارهای مفید اختصاص یابند، در کارها نظم داشته باشند، از حالت بی‌نظمی کاملاً خارج شوند و ماهی یک بار خودشان را ارزیابی کنند.

امروزه تک بودن به درد نمی‌خورد، شما نمی‌توانید کار درست را تکی پیش ببرید، هر چقدر هم که قدرتمند باشید حتماً باید تبدیل به جمع و تخصصهای مختلف شوید. باید کاری کنیم که تألیف جمعی ما زیاد شود. برای این امر، توجه به اخلاق جمعی - که از اخلاق فردی کاملاً متمایز است - مهم می‌باشد. به این دلیل که در کشور ما زمینه‌های تحقق اخلاق جمعی چندان فراهم نبوده است، نوعاً از ضرورت آن و نحوه بروز یافتنش بی‌خبر هستیم. در جمعها همز و لمزها، غیبتها و... اتفاق می‌افتد که باعث می‌شود افراد نتوانند به یکدیگر متصل شوند و به مقاصدشان برسند.

وضع جامعه از نظر فرهنگی روز به روز مضمحل‌تر می‌شود و این امر نیاز به حضور نیروهای مذهبی در سطح وسیع و با جذب کثیر را پررنگتر می‌کند. مدرسه قرآن و سایر نهادها اگر نتوانند در یک مدت کوتاه، جذب حداکثری داشته باشند توسط جبری که ایجاد می‌شود، حتماً بلعیده خواهند شد و این یک واقعیت است که کار فرهنگی الان در کشور ما به عنوان یک عملیات نظامی مطرح می‌شود. اگر ما نتوانیم دانشگاه را جمع کرده و دانشجویان را ساماندهی کنیم، رهبر که نمی‌تواند به تنهایی این فضا را ساماندهی کند. بقیه علماء هم که نوعاً در دانشگاهها حضوری ندارند. پس افرادی مثل من و شما می‌مانند، که از بد حادثه یا خوش حادثه در دانشگاه هستیم و الحمدلله در منطقه‌ای حضور داریم که می‌توانیم افسران را ساماندهی کنیم. باید به سمت حضور حداکثری و کارهایی که بتواند نیروی بیشتری را

جذب کند، برویم. همچنین کارهای علمی و بسیار عمیق مورد نیاز است. این دو بال (جذب بالا و علم عمیق) باید باهم باشند، چون اگر یکی از این دو تعادلشان بهم بخورد، قطعاً شکست رخ می‌دهد و آسیب‌زننده است. اگر فردی بپرسد برای چله شروع ذی القعدة تا روز عرفه چه کاری انجام دهیم، می‌گویم چله برنامه‌ریزی بگیرد. هرکه از خودش شروع کند و یک چله برنامه‌ریزی بگیرد، برنامه‌ای که سیر علمی-مطالعاتی در آن مشخص باشد و استعدادیابی شده باشد. یعنی هرکه استعداد خودش را هنوز نشناخته، بشناسد، اگر برنامه‌هایش جای خالی و پرتی دارد، جلوی پرتی‌ها گرفته شود و با ارزیابی‌های نقطه‌ای، برنامه حداقل یکسال آینده‌اش را مشخص کند. بعد از اینکه هر فرد این چله را انجام داد و برنامه‌هایش تقویت شد، افرادی که هم‌افزای تر و همگرا تر هستند، برنامه‌هایشان را در اختیار یکدیگر قرار دهند تا تبدیل به گروههای تیمی به صورت تخصصی شود. بعد از آن، گروهها به هم لینک شوند و اگر مثلاً چند نفر کار هنری، چند نفر کار ادبی، چند نفر کار کودک و... می‌کنند، با تنه علمی تدبیر که مشترک بین آنهاست، به تولید در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف با شدت و جذب فراوان ورود پیدا کنند. این امر منجر خواهد شد که بتوانیم این حالت بهم‌ریختگی که در دانشگاهها وجود دارد و به خاطر فضای انتخاباتی احتمالاً در یکی-دو سال آتی شدت هم می‌گیرد و آسیبهای جدی خواهد داشت، را با فضای قرآنی از تبعات و آسیبهایش بکاهیم.

پس از امروز افراد شروع به برنامه‌ریزی کنند. یعنی هر کس دقیقاً بگوید مثلاً این هفته نیم ساعت وقتش تلف شده است. اینکه در ابتدای برنامه‌ریزی و قتم هنوز پرتی داشته باشد اشکال ندارد، اما اینکه ندانم چقدر تلف شده است، اشکال دارد. مثلاً فرد نمی‌داند چند ساعت مطالعه می‌کند، در حالیکه باید هفته‌ای فلان تعداد کتاب را بخواند، اما چون محاسبه ندارد، وقتی کمی

خواند، خیال می‌کند خیلی خوانده است! در صورتی که وقتی فرد ساعات را احصاء کند، ارزیابی‌اش دقیق می‌شود.

الان وضعیت جامعه به گونه‌ای است که عاشورا بودن و کربلا بودن اوضاع را هر کسی با کمترین تحلیل می‌تواند ببیند، این عینیت خواب و خیال نیست. سالهای سال است رهبری مکرراً با بیانه‌های مختلف توطئه‌های دشمن و تهاجماتی که می‌شود را به ما گوشزد کردند و می‌کنند و الان این امر کم کم دارد خودش را نشان می‌دهد. اگر بناسات کاری در مسجد یا مدرسه‌ای انجام شود و یک نفر جذب شود اما به واسطه کوتاهی ما این جذب صورت نگیرد و او جذب گروههای منحرف شود، ما مقصر هستیم. از وقتی تلف شده‌تان مساجد و دانشگاهها را آباد کنید. تقریباً میانگین وقتی تلف شده این جمع در هفته، از ۱۰ تا ۵۰ ساعت است. در این زمان چقدر کلاس می‌شود برگزار کرد، تولید آثار داشت و... وقتی خدا توان، سلامتی و مکان داده است، چه دلیلی می‌تواند داشته باشد که انسان وقت خود را صرف جهاد در راه خدا نکند؟ اولین کار لازم این است که هرکه جلوی پرتی و شکاف وقت خود را بگیرد. اگر جمعی شکست بخورد، از ناحیه برنامه‌ریزی شکست خورده است. چون وقتی برنامه‌ریزی درست نباشد، کار علمی صورت نمی‌گیرد. پس باید نیروها به سمت ساماندهی برنامه‌هایشان پیش بروند.

شیعه یعنی اینکه بتواند بگوید من در هفته پیش یک لحظه غفلت داشتم. یعنی بتوانیم در حد لحظه دقت خود را زیاد کنیم. نه اینکه انسان نتواند از سال پیش تا الان، موقعیت خودش را مختصات یابی کند.

اولین مرحله عملیات این است که تک تک ما باید در توان علمی یک مدرسه قرآن باشیم تا بتوانیم جاهای مختلف اثرگذار شویم. مرحله دوم اینکه وقتی همه استاندارد شدند نوبت به تشکیل گروه میرسد، اگر قبل

کننده نباشد. حرف سر چند و چون کارها نیست بلکه حرف سر این است که جای خالی و پرتی در برنامه ریزی نداشته باشیم. جای خالی یعنی اینکه اگر از شما پرسند کارهای هفته قبل خود را بنویسید مثلاً ۲۰ ساعت وجود داشته باشد که ما به ازائی برایش پیدا نکنید.

استکبار برای کار خودش برنامه ریزی و نشانه گذاری می کند و اصرار دارد که اثر کار و هزینه اش را ببیند، این اتفاق باید برای ما هم بیفتد، یعنی برنامه ریزی و نشانه گذاری کنیم و اثر کار خودمان را ببینیم. اگر نتوانیم این کار را بکنیم در مبارزه با دشمن حتما شکست می خوریم و عضوی از یاران میدان دشمن خواهیم شد. یعنی اگر نتوانیم تسلط بر برنامه های خود داشته باشیم، دشمن کاری می کند که جزء برنامه او بشویم. پس اولین مجاهدت، تسلط بر خود و برنامه هاست، دومین مرحله اشتراک گذاری علم با دیگران است. این دو تکوینا قدرت ایجاد می کنند.

خداوند در عالم یک نظام علت و معلولی جعل کرده است. حال اگر استکبار علت و معلول را به دست گرفت، جلو می رود و اگر ما دست گرفتیم ما جلو می رویم. ما برنامه، نظام، توان، علم، مکان، پتانسیل، دانشگاه، سخت افزار و نرم افزار را داریم. قدرت و توان تولیدی مدرسه حتی در همین وضعیت بی نظمی کنونی اش در حدی است که می تواند در عرض یک هفته ۵۰ مطلب علمی تولید کند. فقط باید نیروها با برنامه وارد عرصه عملیات بشوند. برای این عرصه باید حتما لباس رزم به تن کنند، برنامه شان مشخص باشد، اشتراک و مکانشان معلوم شود و نظام داشته باشند. خدا در یک مدتی به ما یک توانی داده است و عنایت شده که این توان متمرکز شود. الان وقتش رسیده است که تبدیل به عرصه عملیات بشود. بسم الله الرحمن الرحیم بگویم و با حضرت معصومه علیها السلام و امام رضا علیه السلام در دهه کرامت برای برنامه ریزی عهد کنیم... به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد.

۱. به سلسله مطالب جمع ربانی در نشریات یکسال اخیر رجوع شود.

و اجازه اینکه مدرسه ای در این وضعیت بماند را نمی دهم. چرا که آسیب حضور مدارس به مراتب بیشتر از نبودن شان است، چون جامعه دچار خلاء و تشنگی است و به آن مدرسه رجوع می کند در حالیکه آن جمع پتانسیل جوابگویی را ندارد، اما به خاطر رجوع جامعه به صورت کاذب باد می کند. وضع جامعه اینگونه است که وقتی به کسی رو می کند، آنقدر به او توجه می کند تا آن را سرنگون کند، یعنی فرد یا جمع را بالا می برند برای سرنگون کردن. اما وقتی حرکت، علمی شده و قوه تشخیص داشته باشد، ثقل پیدا می کند، در نتیجه درست و غلط را تشخیص داده، کاری که در توانش نیست را قبول نمی کند و کار در حد توانش را با شتاب انجام می دهد چون قدرت عقلانیتش فعال شده است. جمع ما در حال حاضر این قدرت را ندارد، اما راهش این است که به برکت حضرت موسی علیه السلام که در این چهل روز تا روز عرفه با خدا در کوه طور وعده داشتند، به این توان برسیم. انسان باید نحوه حرکت جهادی در عالم را از حضرت موسی علیه السلام یاد بگیرد. من خیلی خوش گمان هستم که این اتفاق می افتد و بهتر است که بیفتد. وقتی انسان تصمیم به انجام چنین کارهایی می گیرد، اولش اختلال در برنامه هایش به وجود می آید، چون شیطان بیکار نمی نشیند و اولین کاری که می کند با ایجاد یأس و ناامیدی در اخلاق فردی اختلال ایجاد می کند و دومین کاری که می کند ایجاد نزاع بین فرد و دیگران است تا فرد را بدانجا بکشاند که به خودش بگوید: من در مقدمات گیر کرده ام و اینها دارند درباره فتح قله های عالم صحبت می کنند! اما بدانید کید شیطان، ضعیف است و راه مقابله اش این است که پرتی ها و شکافهای برنامه هایتان را بگیرید و مقاومت داشته باشید. اگر بار انجام دادید و شکست خورد، سه بار انجام دهید، اگر شکست خورد باز انجام دهید. حتی تا روز آخر چله اگر چهل بار شکست خوردید، به هیچ وجه ناامید نشوید. همین که کسی بتواند چهل روز از نو بسازد، همین مهم است. با چنین فردی می شود به صحنه های عملیات رفت. هر فرد متناسب با خودش برنامه ریزی کند. کسی اضافه بر خودش برنامه ریزی نکند و برنامه هایش خسته

اول گروهها تشکیل شوند، تلاشی شده و همگرایی صورت نمی گیرد. فعلاً فقط یک یا دو گروه همگن در مدرسه داریم. اگر مشکل برنامه ریزی حل شود افرادی همگن زیادی وجود دارند. اما فعلاً هرکس احتیاج به یک محتوا و روش علمی دارد، یعنی در تخصص خودش باید یک سری کتابها را مطالعه کند و یک روش علمی هم داشته باشد که در این روش باید حتماً به سبک تدبیری عمل کند. به تجربه دیده ایم کسانی که به روش تدبیر رفتند، خیلی سریعتر رسیده اند. اگر فردی دوره های تدبیر را خوب طی کرده باشد حتی در زندگی معمولی خود هم موفقتر است. مثلاً روش تفکر قلمروی فکری ایجاد می کند، روش تدبیر کلمه های عمیق نگاه می دهد، تدبیر سوره های کل نگر ی یاد می دهد و روش قرآن به قرآن ساختار و نظام شبکه های ایجاد می کند. اگر طبق این نظام پیش روید، تضمین می کنم در هر رشته ای وارد شوید، در عرض یکی-دو سال آن رشته را قُرُق قطعی خودتان می کنید، یعنی یک تفوق علمی پیدا کرده اید، که همه آن را می پذیرند. امروزه فقط کارهایی که بتوانند تفوق علمی ایجاد کنند، می تواند فرهنگ سازی کرده و به جلو روند.

خدا به ما قدرت و نعمت روشمند خواندن قرآن و جمع داشتن را داده است. فقط الان احتیاج داریم فاصله خودمان را کم کنیم تا حد نصاب یک حرکت جهادی مربوط به کل دنیا را به ما بدهند. هر فرد تکمیل کاستی ها را از خودش شروع کند و آن را برطرف نماید. اما اگر این جمع این کار را نکرد همه توانایی هایش را به صورت واگرا به سمت خودش آوار می کنند. این جمع لیاقت اینکه به آن حد نصاب برسد را دارد. راه عملی آن این است که در نظام برنامه ریزی فردی، هر کس پرتی ها و شکافهای زمانی اش را بگیرد و بعد از اینکه سیر علمی مشخص شد، جمع شده و به یکدیگر کمک کنند. مدارس تخصصی هم اگر خواستند فعالیت کنند بعد از تثبیت برنامه ریزی می توانند و قبل از آن، کاری نکنند. ممکن است ما تصمیم بگیریم مدارس تخصصی را کلاً تعطیل کنیم. اگر بنده ببینم وضع مدارس به همین منوال فعلی است، همه را به وضع قبلی برمی گردانم



## یادداشت علمی

### بیانی از توسعه و بلاغت کلام با رویکرد زیست شناسانه

مقاله برگرفته از مباحث کلاس تدبیر ادبی ۲، جلسه دوم

که در اثر آن امکان انتقال علم یا سوال بین متکلم و مخاطب فراهم شده و منجر به جاری شدن حقیقت با وقوع خبر و یا انشاء حکم می شود، این تألیف که دارای قابلیت بلاغت و فصاحت است می تواند به صور مختلفی مانند صیغ عقود، اعتراف، شهادت، درخواست و فرمان در مراتب مختلف هستی ظاهر گردد<sup>۱</sup>.

زیادی را در این زمینه ایجاد می کند.  
**واژگان کلیدی:** کلام، کلام الهی، توسعه و بلاغت کلام، گیه  
**مقدمه**  
کلام، تألیفی (معنادار) از کلمات در مواجهه متکلم با مخاطبی برای انتقال مقصودی معین (خطاب) است

**چکیده:** در این پژوهش به انواع توسعه و بلاغت کلام برای فهم بهتر کلام وحی پرداخته شده است. سپس این مباحث با رویکرد زیست شناسانه با تمرکز بر روی کاشت گیاهان بررسی شدند، بررسی آنها با این رویکرد فهم انسان را ارتقا می دهد، همچنین تبدیل مفهوم انتزاعی کلام به مفاهیم عینی گیاهان و کاشت آنها کاربردهای

می کند این یکی از معجزه های طبیعت است یعنی خاستگاهش جایی است که یک مدت در آب باشد یک مدت بیرون آب، حرّاً ریشه هایی از پایه های بالا می زند به نام ریشه های هوایی، یکسری ریشه های زمینی هم دارند یعنی دو مدل ریشه می دهند برای اینکه بتوانند زمانی داخل آب و زمانی بیرون باشند، بذرشان زنده‌ها است یعنی اینکه تا ۲۴ ساعت فرصت رویش در همان منطقه را دارند، گیاهی است که خیلی معطر است، محلی که هست میگو جمع می شود و شتر می تواند از آن تغذیه کند، فراوانی استفاده ویژه ای دارد. محل جمع کردن پرنده های خاصی است. این گیاهان را سال اول و دوم که کاشتند دیدند گل می دهد ولی گلش در تابستان به خاطر باد تابستان که آنها را می سوزاند از بین می رود، کلام که حقیقتی را از جانب متکلم به مخاطب منتقل می کند، در برخی از مخاطبان این کلام تا گل دادن می رسد اما به میوه و بذری نمی رسد. این درختان در ارتفاعات پایین تری کاشته شدند که باد سر اینها را نسوزاند سال سوم چهارم همه آنها به بذر نشستند، بذرها رشد کردند و آنجا تبدیل به جنگل شد. اکنون جنگل های ماهشهر طوری است که هرکسی ببیند فکر می کند آنجا را کسی نکاشته، خودرو بوده است.

**جهت در کلام:** جهت در کلام یعنی هر درختی نباید هر جایی کاشته شود، اگر ما کلام را به گیاه تشبیه کنیم جای کاشت هر گیاهی هر جایی نیست، مثلاً در جنوب برای اینکه از محل خانه تا کارخانه حدود ۵۰ کیلومتر را جنگل کنند، کهور کاشتند. کهور گیاهی برای جنوب است. کهور به صورت خودرو در مناطق ساحلی در می آید. گیاهی است که خودش را پخش زمین می کند و یک چتر سبز دارد، اما موش به آنها حمله کرد و شهر پر از موش شده بود، همچنین موش ریشه های کهور را می خورد و درخت ها را قطع می کرد.

مثال دیگر اینکه درخت وقتی که در زمین پا می گیرد، ریشه آن یا عرضی پیش می رود و یا عمقی. اگر عمقی برود آب زیر را می کشد، اما اگر سطحی برود آب سطح را می کشد. اگر آب سطح را بکشد شوره زار ایجاد می کند و اگر آب عمق را بکشد آب سفره های زیر زمینی آن منطقه را استفاده می کند. پس هر جایی نباید درخت کاشت و هر درختی را کاشت، در هر قلبی نمی توان هر کلامی را جای داد.

**تعليق کننده های کلام:** مثلاً در یک منطقه قرار هست جنگل ایجاد شود، در آن منطقه نباید درخت کاشته شود مگر اینکه یکسری شرایط فراهم شود.

**تاکید توجه:** مثلاً قرار است منطقه ای درختکاری شود، انواع درختانی که باید در آن منطقه کاشته شوند مشخص می شود اما تعدادی که باید از هر نوع کاشته

الْكَلَامُ الْقَلْبُ وَ مُسْتَوْدَعُهُ الْفَكْرُ وَ مَقْوِيهِ الْعَقْلُ وَ مَبْدِيهِ اللِّسَانُ وَ جِسْمُهُ الْحُرُوفُ وَ رُوحُهُ الْمَعْنَى وَ حَلِيَّتُهُ الْإِعْرَابُ وَ نِظَامُهُ الصَّوَابُ قلب محل کاشت کلام است، فکر امانت دار آن است، عقل آن را تقویت می کند، زبان آن را آشکار می کند، جسم آن را حروف تشکیل می دهد، روحش معناست، زیورش اعراب است و درستی مایه نظام و پیوستگی آن است. بحث توسعه و بلاغت کلام را می توان با کاشت گیاه مرتبط نمود.

با فهم بهتر کاربردهای کلام با رویکردهای مختلف هنگام تدبیر در قرآن می توان خیلی بهتر به غرض خداوند پی برد، به همین دلیل در این پژوهش کاربردهای کلام با رویکرد زیست شناسانه با تمرکز بر روی کاشت گیاه مورد بررسی قرار گرفت.

#### بحث

براساس روایت امیرالمومنین علیه السلام که فرمودند «مغرس کلام قلب، مستودع کلام فکر، مقوی کلام عقل»، همانطور که گیاه در زمین کاشته می شود، کلام الهی در قلب انسان قرار می گیرد و همانطور که باغبان از گیاه مراقبت و نگهداری می کند، آن را آبیاری می کند و علف های هرز را می چیند، باغبان کلام فکر است اگر فکر وجود داشته باشد، از آن نگهداری و آن را تقویت می کند تا کلام در قلب شکوفا شود. انسان با قرآن خواندن با کلام وحی مرتبط می شود، در کلام با پدیده هایی مواجه می شود که فکر و عقل انسان را راه می اندازد، طبق روایت امیرالمومنین علیه السلام هر کدام از این پدیده ها را می توان با مثال هایی از کاشت گیاه مرتبط کرد و به فهم بهتری از آنها رسید.

**توسعه کلام:** مغرس کلام قلب است یعنی کلام در قلب کاشته می شود حالا کلام اگر بخواهد تبدیل به جنگل شود احتیاج به توسعه دارد. یعنی کلام که در قلب قرار می گیرد، حقیقتی را در قلب انسان قرار می دهد. برای اینکه فهم انسان از آن حقیقت بالاتر برود و به شکوفایی و باروری برسد و از آن فهم حقایق بالاتری ایجاد شود، نیاز به توسعه دارد. برای اینکه درخت هایی که در زمین کاشته می شوند تبدیل به جنگل شوند باید درخت تا حدی رشد کند که بتواند گل و میوه بدهد و بذر تولید کند و بذرهايشان پای آنها بیفتد و دوباره رشد کنند مثلاً کنار درخت گردو یا بلوط که بروید اگر با این صحنه مواجه شوید که گردو یا بلوط پای درخت افتاده، مثل این است که دهان باز کرده و دارد خاک را می مکد و دوتا شاخه از کنارش در حال سبز شدن است. این یعنی جنگل، یعنی این درختان قدرت باروری دارند و می توانند در این زمین توسعه ایجاد کنند و بعد از یک مدتی تبدیل به جنگل شوند. جنگل حرّاً در ماهشهر یک جنگل کاشته شده است، حرّاً درختی است که در مناطق جزر و مد رویش پیدا

حروف در زبان عربی مهم ترین عامل القای معانی، فصاحت و بلاغت هستند، حروف در نقش های مختلفی ظاهر می شوند: توسعه دادن کلام، تغییر دادن جهت کلام، تعلیق دادن جملات در کلام، تاکید توجه کلام، برانگیختن توجه، انتقال دادن توجه در کلام. توجه به اینها می تواند ما را به حقیقت حرف ها و سخنان قرآن راهنمایی می کند.

**توسعه کلام:** قرآن که کلام الهی است و به انسان نازل شده یک کلام نیست، در سوره های آن انواع کلام و تعداد زیادی کلام وجود دارد، بنابراین اولین بحثی که مطرح است توسعه کلام است، توسعه کلام می تواند از طریق حالت های مختلفی باشد: به شیوه های عطف یا وصل، فصل، تفصیل و توضیح، افزودن قیود. در توسعه کلام به شیوه فصل، تفصیل و توضیح، توسعه کلام به شکل فصل بندی و تفصیل است، توسعه است اما فصل ایجاد می کند فصل یعنی اینکه کلام در عین اینکه جدا از هم است ولی با هم متصل است مثل کتاب که فصل های مختلفی دارد یعنی در عین حال که در این کتاب است ولی از هم جداست. در توسعه کلام به شیوه افزودن قیود، از قیده های مختلفی استفاده می شود که این قیده ها یا احترازی است یا شرح ایجاد می کند.

اینکه نحوه توسعه چگونه است یک وجه بلاغتی است، یعنی از قالبی که خداوند استفاده کرده حقایق را می توان استنباط کرد به عنوان مثال اینکه بدل استفاده شده یا واو عطف یا واو استیناف و ... هر کدام یک نحوه توسعه است و از هر کدام فهم متفاوتی استنباط می شود. غرض از توسعه کلام فهم و تفصیل حقیقت است.

**حروف تغییر جهت کلام:** جهت در کلام مهم است بعضی از حروف عهده دار جهت دار کردن کلام هستند. جهت کلام می تواند مثبت یا منفی به صورت ظاهری یا کنایی باشد. گاهی ظاهر کلام مثبت است اما باطنش منفی است و گاهی ظاهر کلام منفی است اما باطنش مثبت است، باید کشف کرد که جهت کلام به صورت ایجابی یا سلبی است.

**تعليق کننده های جملات در کلام:** تعلیق کننده ها مثلاً شرط هستند، یعنی یک کاری نشود مگر اینکه یک کار دیگری بشود.

**تاکید توجه کلام:** یعنی حتماً حتماً این کار را انجام شود یا نشود، انواع سوگند در تاکید می آید.

**حروف برانگیختن توجه:** حروفی هستند که توجه فرد را برمی انگیزانند.

**حروف انتقال دهنده توجه:** حروفی هستند که توجه را از یک چیز به چیز دیگری معطوف می کنند.

براساس روایت امیرالمومنین علیه السلام که فرمودند: مَغْرُسُ

که دانشگاه را تأسیس کردند حتی روی درخت‌هایی که کاشته شده‌است فکر کردند. گیاهان بازدانه، نهاندانه قدیمی و نهاندانه جدید کاشته شده‌اند. روی کاشت گیاهان، منظرسازی، روی انتخاب جای آنها فکر شده، چون دانشگاه محیط علمی است و پارک نیست. یعنی دانشجو که وارد دانشگاه می‌شود در نوع نگاهش انتقال به علمی بودن این منظر باید اتفاق بیفتد و باید ببیند که اینجا دانشگاه است و این خیلی مهم است. انتقال توجه خیلی هنرمندی می‌خواهد و اغلب سوره‌ها انتقالی عمل می‌کنند.

#### نتیجه‌گیری

تبدیل یک مفهوم انتزاعی همچون کلام به صورت عینی می‌تواند بسیار کاربردی باشد. به عنوان نمونه آموزش کلام از سنین پایین (دو-سه سالگی) آغاز می‌گردد، این پژوهش به متخصصین فن آموزش کلام برای آموزش کلام از سنین پایین، یا حتی برای اصلاح کلام افرادی که کلامشان ناقص است، ایده می‌دهد که شاید بتوان برای آنها از گیاه و کاشت استفاده نمود.

#### منابع

۱. تدبر در کلام
۲. تدبر ادبی ۲
۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۱۱

می‌کنند هم برانگیختن ایجاد می‌کند، مثلاً وقتی وارد پارک می‌شوید باغبان‌ها سروها را آرایش دادند، آراستن گیاهان را برانگیختن می‌گویند و همه هنر برانگیختن در آراستگی است. یک گیاهی اگر در محل مناسب خودش گذاشته شود خیلی زیباست اما اگر جای مناسبی نباشد حالت خوبی پیدا نمی‌کند. چینش گیاهان در برانگیختن مهم است، مثلاً در خانه تعدادی گیاه دارید اینها را جابه جا کنید هر کدام در هر مکانی یک منطری ایجاد می‌کنند. گیاهان را اگر جاهای مختلف قرار دهید نوع برانگیختن آدم‌ها نسبت به آنها متفاوت می‌شود. یعنی چینش‌شان انگیزش‌های متفاوتی را در مخاطب ایجاد می‌کند، الزاما اینطوری نیست که هر چینشی هر انگیزشی بدهد، بلکه آن‌ها را شبیه نمایی می‌بینند که مشابه‌اش را در جاهای دیگر دیده‌اند. دلیل آن به خاطر این است که القائاتی که افراد می‌کنند براساس پس‌زمینه‌هاست. به‌طور کلی برانگیختن‌ها روی نظام چینش‌ها می‌آید و نوع چینش‌ها متفاوت می‌شود که در کلام این موضوع اهمیت دارد. مثلاً اینکه اول حرف زده شود بعد استفهام یا اول استفهام بعد حرف زده شود یا استفهام، استفهام، استفهام. هرکدام از این حالتها، برانگیختن‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند.

**انتقال توجه:** گاهی می‌خواهید از یک چیزی، چیز دیگری فهمیده شود. در انتقال توجه کاری انجام می‌شود اما قصد روی چیز دیگری است. مثلاً کسانی

شود مساوی نیست و تعداد برخی نسبت به بقیه غالب است. مثلاً در کشور ما، بر روی کاشت کاج تأکید شده است اما درخت کاج یکی از مهمترین درختان افسرده‌ساز کشور است، چون کاج را اغلب جاهایی که قبرستان است می‌کارند، در فیلم‌های خارجی هر جا بخوانند افسردگی را نشان بدهند کاج را نشان می‌دهند، چون از سرش رشد می‌کند و نمایی که می‌دهد خاکستری سبز است. نمای آن، نمای افسرده‌کننده است و خسارت‌هایی سر همین کاج‌کاری به کشور ما وارد شده است. همچنین برگ کاج مواد آللوپاتی تولید می‌کند که خاک را اسیدی کرده و اشکوب پایینی را از بین می‌برد و خاک را تغییر می‌دهد. در نتیجه گیاهانی را که لازم است در هر خاکی باشد از بین می‌برد به عنوان یک گیاه مهاجم عمل می‌کند. اگر در کلام تأکید توجه منفی باشد خسارت وارد می‌کند مثل شیطان که می‌گوید من حتماً حتماً انسانها را گمراه و اغوا می‌کنم، تأکید در کلام به عنوان مثال بر قبول نکردن حق یا بر قبول کردن حق تأکید داشتن می‌تواند باشد. پس حالتی که غلبه دارد جنبه تأکیدی می‌شود.

**برانگیختن توجه:** نمای ظاهری گیاهان توجه را برمی‌انگیزانند. مثلاً درخت نارون چتری دارد که اگر چندتای آن در جایی کاشته شود توجه را جلب می‌کند. هر درختی انسان را جذب نمی‌کند و برخی جذب می‌کند. منظرسازی که انسان از آن گیاهان ایجاد

#### پیشخوان

##### فراخوان مقاله نویسی از کلاسهای آموزشی و مطالعات پژوهشی

چنانچه مطالعه نمودید، مطلب فوق نمونه‌ای از تبدیل یک جلسه از کلاس تدبر ادبی ۲ به یک مقاله علمی می‌باشد. دوستانی که تمایل به ارتقای این مقاله یا حتی تبدیل از نوع این جلسه دارند، میتوانند فایل پیاده شده مباحث جلسه و همچنین فایل مقاله موجود را با ارتباط با خانم نصیری (۰۹۱۹۷۶۸۴۳۲۵) دریافت نمایند.

تبدیل جلسات آموزشی به مقالات، منجر به ثبت و نشر علوم قرآنی برای جوامع علمی می‌شود و می‌تواند بانی رابری تولید علم اسلامی فتح نماید. در همین راستا، رسانه کاشف پذیرای مقالات علمی عموم اعضای مدرسه قرآن از مباحث آموزشی یا مطالعات و پژوهشی‌های فردی‌شان می‌باشد. جهت کسب اطلاعات و ارسال مقالات با ایمیل سردبیر (fssh2004@yahoo.com) می‌توانید ارتباط بگیرید.

##### فراخوان دریافت اصلاحیه‌های کتب مدرسه توسط اعضاء

انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت ﷺ بوردی رابه تازگی طراحی کرده است که خوانندگان کتب مدرسه می‌توانند ایرادات و اصلاحات مورد نیاز ویرایشی -و نه علمی- هر کدام از کتب مطالعه شده را در آن بر روی برگه‌های یادداشتی نصب نمایند و در این زمینه به اصلاح ویرایشی کتب دست یاری برسانند

این بورد در پاگرد بین طبقه اول و دوم ساختمان مدرسه قرآن نصب شده است و جدولی به تفکیک کتب تدبری، از نگاه المیزان، تفکر اجتماعی و متفرقه بر روی آن قابل مشاهده می‌باشد.